

سرشناسه: هاروی، استیو، ۱۹۵۶ - م.

Harvey, Steve

عنوان و نام پدیدآور: رک و صریح حرف بز/ نویسنده استیو هاروی، [دنن میلنر؛ مترجم علی اکبر قاری نیت؛ ویراستار سمانه عباسی.

مشخصات نشر: تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۰-۶۹۷-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: عنوان اصلی: Straight talk, no chaser: how to find, keep, and understand a man, c2010.

موضوع: روابط زن و مرد

Man-woman relationships

مردان -- روان شناسی

Men -- Psychology

همسرگزینی

Mate selection

شناسه افزوده: میلنر، دنن

شناسه افزوده: Millner, Denene

شناسه افزوده: قاری نیت، علی اکبر، ۱۳۳۳ - مترجم

رده بندی کنگره: ۸۰۱۴۱۱

رده بندی دیویی: ۷۳۶

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۱۰۷۳۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

رک و صریح حرف بز

نویسنده: استیو هاروی

مترجم: علی اکبر قاری نیت

ویراستار: سمانه عباسی

بازخوان نهایی: اشکان حسین زاده

صفحه آرا: ساناز صالحی

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۰-۶۹۷-۰

ISBN: 978-622-220-697-0

کتاب های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.

نشانی فروشگاه نسل نواندیش: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸

تلفن: ۸۸۹۴۲۲۴۷ - ۹

www.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
بخش ۱. شناخت و تفاهم با مردان.....	۱۷
۱. ساختن یک مرد.....	۱۹
۲. ازدواج در دهه‌های مختلف زندگی.....	۳۳
۳. آیا زنان واقعاً ترسناک‌اند؟.....	۵۱
بخش ۲. پیدا کردن یک مرد.....	۶۷
۴. بن بست.....	۶۹
۵. بازی بس است.....	۹۱
بخش ۳. حفظ مرد.....	۱۰۹
۶. شیرینی زندگی.....	۱۱۱
۷. حرف «ن» (نق زدن).....	۱۲۵
۸. قدردانی‌تان را ابراز کنید.....	۱۴۱
۹. پول و احساس.....	۱۵۷
۱۰. هنر معامله.....	۱۷۳
بخش ۴. پرسش‌ها و پاسخ‌ها.....	۱۹۱
از استیو پیرس. برای مردان... ده فرمان برای راضی و خشنود کردن یک زن.....	۲۰۳
واژه‌نامه استیو.....	۲۰۷

پیشگفتار



به‌خوبی می‌توانستم صدای پاشنه‌های کفشش را روی کف سیمانی خیابان بشنوم که داشت تندتر و تندتر و بلندتر و بلندتر می‌آمد. او سه طبقهٔ پارکینگ طبقاتی را بالا آمده و باعجله از آسانسور بیرون پریده بود و داشت در وسط پارکینگ می‌دوید و می‌خواست قبل از اینکه سوار ماشینم شوم یا شروع به حرکت کنم، جلویم را بگیرد و با من صحبت کند. به‌محض اینکه پشت فرمان نشستم، به من رسید و درحالی‌که دست چپش را جلوی صورتم تکان می‌داد و بر اثر دویدن نفسش بند آمده بود، با صدای بلند صدا زد: «استیو هاروی! استیو هاروی! من... حلقه را... گرفتم.» او درحالی‌که به‌سختی نفس می‌کشید، نفسی تازه و سپس دوباره شروع به حرف زدن کرد: «شما گفتید یکی از شرایط لازم ازدواج این است که به او بگویید اگر می‌خواهی باهم ازدواج کنیم، باید یک حلقه بدهی. استیو هاروی، من هم همان کاری که شما گفتید، انجام دادم و حلقه را گرفتم. قرار است هفته آینده ازدواج کنیم.»

من هر روز عملاً این نوع داستان‌ها را می‌شنوم: برخی از زنان برایم نامه می‌فرستند و می‌گویند کاش هنگامی که وقتشان را با یک مرد نالایق تلف می‌کردند،

کتاب اولم، مثل یک مرد فکر کنید، مثل یک زن عمل کنید^۱ را در قفسه‌های کتابشان داشتند. بعضی از زن‌ها به من ایمیل می‌زنند و می‌گویند اگر آن‌ها قبلاً می‌دانستند که چه چیزی به مردان انگیزه می‌دهد، که در آن کتاب گفته‌ام، بهتر تشخیص می‌دادند که نامزدشان ارزش ادامه دادن دارد یا نه. هنوز زنان دیگری هستند که به برنامه بامدادی استیو هاروی تلفن می‌کنند یا هنگام امضای کتاب و برنامه‌های تلویزیونی پیدایشان می‌شود. کتاب مثل یک مرد فکر کنید، مثل یک زن عمل کنید بیش از دومیلیون نسخه در سراسر جهان به فروش رسیده و به چندین زبان در بیش از سی کشور مختلف ترجمه شده است. بسیار خرسندم که می‌بینم مطالب کتاب مثل یک مرد فکر کنید، مثل یک زن عمل کنید این قدر مورد توجه و استقبال تمام افراد سراسر جهان قرار گرفته است. خداوند را شاکرم که درهای موفقیت به رویم باز شده است. من در یک برنامه صبحگاهی ملی و در یکی از معتبرترین و پرتیراژترین مجلات زنان در دنیا به عنوان متخصص روابط زناشویی مشغول بودم (اگرچه من فقط خودم را متخصص ذهنیت مردان می‌دانم؛ اینکه ما مردان چگونه فکر می‌کنیم و چرا چنین رفتارهایی داریم).

راستش را بخواهید انتظار چنین استقبال شایانی را نداشتیم. وقتی اولین کتابم را نوشتم، فقط قصدم این بود که موضوعات مربوط به ازدواج را با زنانی در میان بگذارم که سوالاتشان را به بخش «نامه توت‌فرنگی»^۲ برنامه رادیویی‌ام می‌فرستند و درباره مشاهداتم در مورد عشق و ازدواج توافق دارند و می‌خواهند راهنمایی‌ها و نظرات بیشتری درباره افکار مردان در زمینه عشق، رابطه جنسی، نامزدی و ازدواج بدانند. امیدوار بودم این کتاب بتواند کمکی باشد به زنانی که پا را فراتر از افسانه‌ها، شایعات، کلیشه‌ها و حرف‌های کلی‌ای گذاشته‌اند که مانع درک بر ازدواج با مردان است؛

قصدم آگاهی دادن به آن‌ها دربارهٔ این است که مردها واقعاً چه نوع آدم‌هایی هستند و چگونه می‌توانند در «دوران آشنایی» عشق و محبت طرف مقابل را جذب کنند. اهداف من خالصانه و بی‌آلایش بودند: من به این چیزها بسیار اهمیت می‌دهم، زیرا هم شوهر و مرد هستم و هم یک شخصیت رادیویی که هر روز از طریق برنامهٔ رادیویی‌ام برای میلیون‌ها زن صحبت می‌کنم و مهم‌تر از همه، پدر چهار دختر جوان و زیبا هستم که سزاوار مردان خوبی‌اند که آن‌ها را دوست داشته باشند، به آن‌ها احترام بگذارند و با آن‌ها طوری رفتار کنند که دوست دارند با خودشان همان‌گونه رفتار شود.

اگرچه بعداً به این نتیجه رسیدم که کتاب مثل یک مرد فکر کنید، مثل یک زن عمل کنید به‌تنهایی کافی نیست. وقتی سمینارهای ازدواج را در سراسر کشور برگزار می‌کردم، متوجه شدم که صرف‌نظر از اینکه چقدر دربارهٔ عوامل انگیزش مردان توضیح داده‌ام، زنان هنوز پرسش‌های بی‌شماری دربارهٔ چرایی ملاقات با مردها و روش واکنش نشان دادن در وضعیت‌های گوناگون داشتند. اگر من به گروهی از زنان می‌گفتم که مردان به وسیلهٔ آنچه آن‌ها برای یک زندگی انجام می‌دهند، میزان درآمدی که دارند و شخصیتشان انگیزه پیدا می‌کنند زنان می‌خواستند بدانند چرا پایداری و ثبات قدم برای مردان مهم‌تر از عاشق شدن است. اگر من می‌گفتم مردان عشقشان را با فراهم کردن امکانات زندگی، تظاهر و حفاظت از شریک زندگی‌شان نشان می‌دهند، مخاطبان من می‌خواستند بدانند چرا مردان مانند زنان از ته قلب عشق و محبت خود را ابراز نمی‌کنند. بله، به هر پرسشی در فصل «پاسخ‌های سریع به پرسش‌هایی که همیشه می‌خواهید برسید» جواب می‌دادم؛ از پرسش «چه چیزی باعث می‌شود تا مردها به مسائل زناشویی بیشتر رغبت پیدا کنند؟» و «آیا اگر همسران کار نکنند برایتان مهم است؟» گرفته تا پرسش «آیا مردها با زنانی که قبلاً نامزد داشته‌اند مشکلی ندارند؟» و «آیا وابسته بودن مرد به والدینش مهم است؟» و بیش از پنجاه موضوع دیگر که می‌توانم به آن‌ها اشاره کنم.